



بررسی ساختارگذرایی در خطبه بیست و هفتم نهج البلاغه بر اساس فرانش تجربی نظریه نقش گرا

محمدعلی عربزوزنی^{۱*}، محمدرضا پهلوان نژاد^۲

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۴/۰۲/۱۵

تاریخ دریافت: ۱۳۹۲/۱۲/۰۳

چکیده

این مطالعه به بررسی ساختارگذرایی خطبه بیست و هفتم نهج البلاغه بر اساس فرانش تجربی نظریه نقش گرا پرداخت. ابتدا تمامی بندهای خطبه تجزیه شده و نوع فرایند، تعداد مشارکین و نقش هر مشارک در هر بند مشخص شد. بیشترین بسامد مربوط به فرایندهای مادی (۴۳ مورد) بوده و سپس فرایندهای رابطه‌ای با ۲۴ ذهنی با ۱۵ بیانی با ۱۲ وجودی با ۳ و رفتاری با ۲ مورد در رتبه‌های بعدی قرار داشتند. بیش از ۳۰ درصد فرایندها به صورت محذوف به کار رفته بود؛ به طوری که به عنوان مثال از مجموع ۲۴ مورد فرایند رابطه‌ای، ۲۰ مورد به صورت فعل محذوف "کان" از متن قابل استنباط بود. بررسی‌ها نشان داد که موضوع هر بخش از خطبه در نوع و بسامد فرایندهای به کار رفته در آن تأثیرگذار بوده و باعث شده بود که مشارکین خاصی در فرایندها درگیر باشند. از مجموع ۱۴ بند بخش اول، ۶ بند دارای فرایند مادی، ۴ بند رابطه‌ای، ۳ بند ذهنی و ۱ بند رفتاری بوده و مشارکین اصلی آن "جهاد" و "الله" بود. در بخش دوم نیز فرایندها به ترتیب ۳۱ مورد مادی، ۱۲ رابطه‌ای، ۱۰ بیانی، ۴ ذهنی و ۱ مورد رفتاری و "حضرت علی(ع)"، "مردم کوفه" و "لشکریان معاویه" مشارکین اصلی این فرایندها بودند. بخش پایانی نیز با ۲۷ فرایند - ۸ رابطه‌ای، ۸ ذهنی، ۶ مادی، ۳ وجودی و ۲ بیانی، محل تقابل دو مشارک اصلی این بخش یعنی "حضرت علی(ع)" و "مردم کوفه" است. در بخش پایانی به بررسی سه سؤال مرتبط با ساختارگذرایی (نوع فرایند، تعداد و نقش مشارکین) بر مبنای متن خطبه جهاد پرداخته شده است.

کلیدواژه‌ها: ساختار گذرایی، فرانش تجربی، نظریه نقش گرا، فرایند، مشارک

۱. دانشجوی دکتری زبان‌شناسی همگانی دانشگاه فردوسی مشهد

۲. استاد گروه زبان‌شناسی دانشگاه فردوسی مشهد

مقدمه

نگاه علمی به متون مذهبی اتفاقی تازه نیست و بالطبع از دیرباز مورد توجه زبان‌شناسان بوده‌اند. زبان‌شناسان مسلمان (و البته غیرمسلمان) نیز نگاه ویژه‌ای به قرآن، ادعیه و کتب مقدس اسلامی داشته به طوری که حاصل آن مکاتب مختلف زبان‌شناسی چون مصری، بصری و کوفی و شاخه‌های متعدد زبان‌شناسی چون فقه‌الغه، علم‌اللغه، علم‌اللسان و ... بوده است، اما "صیغه عام کتاب‌های پیشینیان در زبان و مباحث زبانی، بررسی واژگان، نکات دستوری و گاه معناشناسی بوده است (سیدی، ۱۳۸۷: ۴۱)". ایشان کمتر کوشیده‌اند تا نظریه‌های جدید زبان‌شناسی را بر پایه این متون مورد کنکاش قرار دهند.

دو نگرش عمده و جدید که علم زبان‌شناسی را به‌طور عمده تحت تأثیر قرار داد در نیمه‌ی دوم قرن بیستم نسبت به زبان رشد کرد. یک نگرش مبتنی بر تبیین صوری که زبان را پدیده‌ای فردی و ذهنی می‌دانست؛ چامسکی این نگرش صورت‌گرایانه‌ا را با دستور زایش‌آ خود نمایندگی می‌کند. نگرش دوم زبان‌شناسی سیستمی - نقشی^۳ است که نگرش مبتنی بر تبیین نقش داشته و زبان را پدیده‌ای برون فردی و اجتماعی می‌داند. نماینده‌ی اصلی این نگرش هلیدی می‌باشد. "از نظر هلیدی کاربرد زبان در بیش از هزاران نسل طی اعصار تاریخ، نظام زبانی را به‌وجود آورده است و در این مدت واژگان زبان برای ارضای نیاز انسان به تدریج رشد کرده و براساس نقشی که در ارتباط با نیازها دارد سازمان‌دهی می‌شود (احمدزاده، ۱۳۸۷)".^۴ برای اساس ویژگی‌های بنیادی معنا در زبان همان ویژگی‌ها و محتویات نقشی‌اند که هلیدی آن‌ها را فرانش می‌نامد. یک نکته‌ی کلیدی در تفسیر دستور نقش‌گرایی این است که به‌طور کلی واحدهای زبانی چند نقشی هستند به طوری که هلیدی چهار نوع فرانش اصلی را در رویکرد نظام‌مند نقش‌گرایی خود مدنظر قرار می‌دهد که عبارت‌اند از: فرانش بینافردی^۴، فرانش متنی^۵، فرانش تجربی (اندیشگانی) و فرانش منطقی^۶.

فرانش بینافردی به برقراری، استمرار، تثبیت و تنظیم روابط اجتماعی مربوط می‌شود و تعامل افراد درگیر در ارتباط زبانی را مدنظر دارد (هلیدی، ۱۹۸۵: ۵۳). فرانش متنی به شیوه سازماندهی پیام‌ها مربوط می‌شود. "ما پیام‌های خود را طوری ساماندهی می‌کنیم تا با پیام‌های قبل و بعد از خود و با کلیت متن سازگار باشد (تامسون، ۱۳۶: ۲۰۴)".^۷ فرانش منطقی به نحوه ارتباط بندها به همدیگر می‌پردازد و برای بررسی متن از این دیدگاه باید، به‌نوعی متفاوت با سه فرانش دیگر، از بند به‌عنوان واحد تحلیل فراتر رفت.

-
1. Formalism
 2. Generative Grammar
 3. Systemic - Functional
 4. Metafunction Interpersonal
 5. Textual Metafunction
 6. Logical Metafunction

فرانقش تجربی به معنای استفاده از زبان برای بیان تجربیات هم از جهان بیرون و هم از جهان درون می‌باشد. در این فرانقش محتوی پیام مورد توجه است و بند را از دو منظر ساختارگذرایی^۱ و ساختار کنایی^۲ تحلیل می‌کند. در بررسی ساختارگذرایی بند به این نکته توجه می‌کنیم که چه نوع فرایندی (مادی، ذهنی^۳، رابطه‌ای^۴، بیانی^۵، رفتاری^۶ و یا وجودی^۷) در حال رخ دادن است؟ چند مشارک در این فرایند شرکت کرده و چه نقشی بر عهده دارند؟ بررسی ساختار کنایی بند نیز به معنای مشخص کردن این است که آیا فرایند خودبه‌خود اتفاق می‌افتد یا چیزی باعث آن اتفاق می‌شود (تامسون، ۱۹۹۶: ۱۱۲).

این تحقیق به بررسی ساختارگذرایی در خطبه‌ی بیست و هفتم نهج البلاغه پرداخته تا به فهم بهتری از آن که به موضوع جهاد می‌پردازد کمک نموده تا شاید برخی جنبه‌های آن که از دید شارحین و مفسرین دور مانده است را روشن نماید. در مورد این مطالعه ذکر این نکته را ضروری می‌دانیم که هرچند رویکرد نقش‌گرای نظام‌مند هلیدی هماهنگی و همخوانی نسبتاً مناسبی با علم‌المعانی (عربی) دارد، به‌طوری‌که به‌نوعی فرا نقش‌های زبانی و ساخت‌های آغازگری^۸ پایان‌بخشی^۹ و ساخت اطلاعی^{۱۰} بسیار متناظر با ساخت مبتدا خبری و تقدم و تأخر آن در علم‌المعانی است، اما به هنگام به‌کار بستن هر نظریه زبانی در زبان دیگر، پژوهشگر باید متوجه باشد که در دام تلاش برای گزینش داده‌ها و تحمیل نظریه موردنظر بر آن نیافتد. در این جا نیز هر چند هلیدی تبیین بسیار جزئی و دقیقی را از زبان ارائه می‌دهد؛ اما چون مبنای کار زبان انگلیسی می‌باشد که بی‌گمان با هر زبان دیگر تفاوت‌هایی دارد، لذا تبیین‌ها و تقسیم‌بندی‌های انجام گرفته بر زبان عربی در این تحقیق، براساس آن چه هلیدی در زبان انگلیسی انجام داده است نمی‌تواند لزوماً صددرصد منطبق باشد.

پیشینه تحقیق

بررسی‌های محقق نشان می‌دهد که تاکنون مطالعات چندانی با رویکردی یکسان با آنچه در این تحقیق مورد توجه است، صورت نگرفته و عمده مطالعات زبان‌شناختی در مورد نهج البلاغه، زیبایی‌های زبانی این اثر را مدنظر قرار داده‌اند. از آن جمله می‌توان به بررسی صنایع ادبی در نهج البلاغه توسط (دلشاد تهرانی، ۱۳۹۲: ۲۷-۱۹) اشاره نمود. ایشان نمونه‌های از سجع، تشبیه، استعاره و کنایه را از نهج البلاغه

1. Transitivity Structure
2. Ergative Structure
3. Mental
4. Relational
5. Verbal
6. Behavioral
7. Existential
8. Theme
9. Rheme
10. Informative Structure

استخراج نموده و ادعا می‌کند که این "صنایع چونان آبی روان و درخشان جاری در جویبارهای زیبا و سیراب‌کننده کام تشنگان معرفت و حقیقت و از عوامل شگفتی کتاب نهج‌البلاغه هستند" (همان).

اوسط ابراهیمی (۱۳۷۹: ۳۳۲-۳۲۱) نیز انواع گوناگونی از سجع، تضاد، تشبیه، استعاره و کنایه را از نهج‌البلاغه استخراج نموده و به عظمت این اثر، با استناد به فرمایش تنی چند از بزرگان تأکید کرده است. بهنام (۱۳۸۱: ۶۱-۷۹) نیز تحلیلی زبان‌شناختی از گزیده‌هایی از کلام امام علی(ع) در نهج‌البلاغه را ارائه نموده و اصول مهم زبان‌شناسی متن‌مدار، یعنی انسجام متنی^۱ و توازن^۲ را مدنظر قرار داده و سعی کرده است براساس رویکرد نظام‌مند نقش‌گرای هلیدی، حقیقت معنوی عبارت نهج‌البلاغه که همان روش زیبایی سخن گفتن است را در نمونه‌های سخن حضرت نشان دهد.

برخی مطالعات مشابه نیز، نه بر روی نهج‌البلاغه بلکه بر متن قرآن کریم انجام پذیرفته است از آن جمله می‌توان به مقاله ایشانی و نعمتی قزوینی (۱۳۹۲) اشاره کرد که به بررسی انسجام و پیوستگی در سوره صف پرداخته و مدعی شده‌اند که این سوره با وجود داشتن تنوع مضمون از انسجام و پیوستگی بالایی برخوردار است. با تفسیر زبان‌شناختی سوره عصر، احمدزاده (۱۳۸۷: ۳۵-۱۹) تلاش کرده است نکات جدیدی را درباره معنی‌شناسی این سوره از جمله ارتباط عاشقانه انسان با خدا و دیگر انسان‌ها، بازتاب جهان‌گوینده و شنونده و خواننده، تقدم و تأخر حساب‌شده واژه‌های متن سوره، پیوند اسرارآمیز اطلاع کهنه و نو و استفاده از انواع گونه‌های انسجام و ارتباط سلسله‌وار معانی و ... را ارائه کند.

حری (۱۳۸۸) نیز کارکرد تصریف دو سوره قرآنی ص و حجر که ناظر بر داستان آفرینش هستند را، در پرتو فرا نقش‌متنی هلیدی بررسی نموده و ادعا می‌کند اطلاعات گفتمان در این دو سوره به‌گونه‌ای کارآمد ساختاربندی شده‌اند که هر چند برخی الفاظ عیناً تکرار می‌شوند، اما نحوه ارائه اطلاعات کاملاً بدیع و تازه است و او این را تصریف قرآنی می‌خواند. مسبوق و بیات (۱۳۹۱) نیز در مقاله‌ای به بررسی روابط بینامتنی قرآن و نامه‌ی سی و یکم نهج‌البلاغه پرداخته و ادعا می‌کنند بیشترین رابطه به‌صورت نفی متوازی بوده که به‌منظور درک متن پنهان، به خوانش آگاهانه و عمیق نیازمند است.

مطالعاتی نیز وجود دارند که بررسی فرایندها در برخی متون به‌غیر از متون مذهبی پرداخته که به جهت تشابه موضوعی به چند مورد آن اشاره می‌شود. ادینگز (۲۰۰۷) پس از بررسی ۲۴۴ بند از مقالات دانشگاهی رشته بیوشیمی و ادبیات انگلیسی دریافت که در متون بیوشیمی تقریباً تمام بندها از نوع مادی و رابطه‌ای بوده و در متون ادبی نیز بسامد فرایندهای رابطه‌ای و مادی بالاست او علت آن را به هدف بیوشیمی در پرداختن به چگونگی رخدادها و هدف متون ادبی در مرتبط بودن با عملکرد و فعالیت افراد در دنیای خارج مربوط می‌کند. ابوالحسنی و میرمالک ثانی (۱۳۹۰) پس از بررسی متون کتب درسی دانشگاهی و کتب غیردرسی همسان ادعا می‌کنند که توزیع فرایندها در کتب علوم انسانی و علوم پایه

1. Textual Cohesion

2. Parallelism

متفاوت است؛ به طوری که فرایندهای مادی و رابطه‌ای در علوم پایه بیشتر از علوم انسانی و از سوی دیگر بسامد فرایندهای ذهنی و بیانی در علوم انسانی به نسبت بیشتر از علوم پایه است.

چارچوب نظری

رویکرد نظام‌مند نقش‌گرای هلیدی دنباله مکتب لندن بوده و عمدتاً بر نظریه نظام ساخت فرث^۱ مبتنی است و از برخی ایده‌های مکتب پراگ^۲ نیز بهره می‌برد (ابوالحسنی و میرمالک ثانی، ۱۳۸۷:۱۳۱). در این دیدگاه، زبان و سایر نظام‌های نشانه‌شناسی به‌عنوان شبکه‌ای از انتخاب‌های به هم مرتبط تفسیر می‌شوند (هلیدی، ۱۹۹۴: XIV)، و سه سطح معنایی، دستور-واژگانی و واج‌شناسی برای آن قائل می‌شوند. هلیدی زبان را ابزار انتقال معنی و برقراری ارتباط میان افراد یک جامعه می‌داند و در نتیجه آن را نهاد اجتماعی و بخشی از نظام اجتماعی می‌داند (مهاجر، ۱۳۷۶: ۱۸). در این نظریه، بافت با مفهوم گونه کاربردی یعنی گوناگونی زبان با توجه به کاربرد، معنا می‌شود (هلیدی و حسن، ۱۹۷۶: ۴۴). متغیرهای زبانی یک بافت شامل: حوزه کلام^۳، فحوای کلام^۴ و شیوه کلام^۵ است. تشخیص و شناسایی این سه متغیر بافتی اتفاقی و دل‌بخوایی نیست زیرا هریک از آن‌ها بیانگر یک نوع معنی و در نتیجه یک نوع فرانش زبانی‌اند. هلیدی مجموع نقش‌های زبانی را در چهار فرانش تجربی، فرانش بینافردی و فرانش متنی و فرانش منطقی جمع‌بندی می‌کند.

فرانش متنی در واقع کاربرد زبان برای تولید متون گفتاری یا مکتوب است. زبان میان خود و بافت ارتباط برقرار می‌کند تا با تناسب بافتی که در آن جاری می‌شود و با توجه به ویژگی‌های مترتب بر آن بافت متن آفرینی کند. این کارکرد بیانگر مدخلیت^۶ کلام، هم با بافت زبانی پیش و پس خود (co-text) و هم با بافت موقعیتی است و برچگونگی ترتیب و آرایش اطلاعات اندیشه‌پردازی و بینافردی موجود در متن مبتنی است. این‌جا نظام معنایی به‌گوینده (نویسنده) اجازه می‌دهد که معنا را به‌منزله متن ساختاردهی و هر عنصر را به‌منزله‌ی تکه‌ای از اطلاعات سامان‌بندی کرده و به‌طور معناداری با آن‌چه پیشتر بیان شده است مرتبط می‌کند (هلیدی، ۱۹۸۵).

اساس فرانش بینافردی ارتباط زبانی است، یعنی برقراری تعامل دوسویه در جهت ایجاد روابط مناسب اجتماعی. آن‌چه بین دو طرف رابطه ردوبدل می‌شود یا اطلاعات^۷ است و یا امکانات و تسهیلات^۸ هلیدی معتقد است که (بخشی از) بند باید کار انتقال و دریافت معنی را بین تعامل‌کنندگان زبانی را بر عهده

1. Firth Systemic Structure Theory
2. Prague School
3. Field of discourse
4. Tenor of discourse
5. Mode of discourse
6. Relevance
7. Information
8. Goods and Services

داشته باشد؛ لذا "نظام‌های واژی - دستوری‌ای وجود دارند که ما با تکیه بر آن‌ها، پیام خود را به نحوی بیان می‌کنیم که شنوندگان ما شانس خوبی را داشته باشند تا دلیل آن‌چه را به آن‌ها می‌گوییم بفهمند (تامسون، ۱۹۹۶: ۳۹)".

فرانقش منطقی هنگامی مدنظر قرار می‌گیرد که بیش از یک‌بند مدنظر باشد. "این فرانقش به روابط بین بندها پرداخته و مشخص می‌کند بندهای ساده چگونه به هم پیوند می‌خورند (پهلوان‌نژاد و زمردیان، ۱۳۸۳)؛ بنابراین سه فرانقش قبلی معنای پیام‌ها را بیان نموده ولی فرانقش منطقی روش پیوند دادن آن‌ها را به یکدیگر نشان می‌دهد.

از آن‌جا که این تحقیق براساس فرانقش تجربی انجام گرفته است در ادامه با تفصیل بیشتری به جوانب آن می‌پردازیم. براساس این فرانقش، زبان، درک و دریافت ما از واقعیت و در نتیجه تجربیات ما را سازمان‌بندی می‌کند؛ هم تجربیات عینی و هم تجربیات ذهنی. این فرانقش جهان‌بینی گوینده (نویسنده) را منتقل می‌کند و تجربه و رویکرد او را نسبت به جهان خارج انتظام می‌بخشد (فالر، ۱۳۸۱). لذا بیشتر محتوی پیام مدنظر است تا هدفی که گوینده از بیان آن داشته است (تامسون، ۱۹۹۶: ۷۶).

چیزی که در مورد محتوی بند بیان می‌کنیم شامل فرایندها می‌شود که شرکت‌کنندگانی را در موقعیت خاصی در برمی‌گیرد. فرایند با گروه فعلی نمود پیدا می‌کند و عضو مرکزی پیام است (تامسون، ۱۹۹۶: ۷۷) مشارک نیز به‌طور طبیعی در گروه اسمی نمود می‌یابد و نمود عناصر موقعیتی^۱ عمدتاً به‌صورت گروه قید و عبارات حرف اضافه‌ای است. کلمات ربط^۲ و قیود وجهی^۳ در معنای تجربی بند وارد نمی‌شوند و خارج از تحلیل ساختار گذرای قرار می‌گیرند (تامسون، ۱۹۹۶: ۷۸). برای تطابق ویژگی‌های ساختاری و ویژگی‌های نقشی، دو روش عمده وجود دارد که هر کدام مبتنی بر روش متفاوت نگاه به جهان بوده و ساختارهای متفاوتی را ممکن می‌سازند. ۱- تحلیل براساس ساختار گذرای و ۲- تحلیل براساس ساختار کنایی^۴ رابطه‌ی دقیق ساختار کنایی و گذرای خیلی مورد بحث است. هلیدی (۱۹۹۴: ۱۶۴) معتقد است که همه فرایندها را می‌توان براساس هر یک از این ساختارها مورد تحلیل قرار داد؛ اما دیویس (۱۹۹۲) برخلاف هلیدی معتقد است که هر بند یا از منظر ساختار گذرای و یا از منظر ساختار کنایی به جهان می‌نگرد. تامسون (۱۹۹۶) ساختار کنایی را محدود به فرایندهای مادی می‌کند که تغییر در آن‌ها یا از درون است یا از بیرون.

ساختار گذرای (تعدی) به مفهوم تمایز گذاشتن بین فعل‌هایی که نیاز به مفعول دارند و فعل‌هایی که مفعول نمی‌گیرند، تعریفی آشناست؛ اما در دیدگاه نقش‌گرا مفهومی وسیع‌تر می‌گیرد. در این دیدگاه ساختار گذرای به کل بند برمی‌گردد نه فقط به فعل؛ اما هنوز به مانند تعریف سنتی هنوز هم فعل مورد توجه ویژه است؛ چراکه این فرایند است که نوع مشارکین را مشخص می‌کند. بروز نقش‌ها از طریق نظام

1. Circumstantial Elements
2. conjunctive
3. modal adjective
4. Ergativity

گذرایی در تعامل تجربی با هستی اتفاق می‌افتد." از طریق این نظام ما پدیده‌های هستی را تجربه می‌کنیم و یک نظام معنایی در ذهن پدید می‌آوریم سپس از طریق همین نظام، با استفاده از نشانه‌ها و گزاره‌های زبانی، به بیان نظام معنایی خودمان می‌پردازیم. در واقع نظام گذرایی فرآیندی دو سویه است که تأثیر انسان از محیط و تأثر او را بر محیط نشان می‌دهد (مشهور و فقیری، ۱۳۹۳).

جهت تحلیل ساختار گذرایی متن، سه سؤال عمده پرسیده می‌شود: ۱- نوع فرآیندی چیست؟، ۲- چندمشارک می‌توانند (باید) در فرآیند درگیر باشند؟ و ۳- این مشارکین چه نقشی می‌توانند (باید) بازی کنند؟ انواع فرایندها به شرح زیر است.

۱- فرآیند مادی: انجام عمل عینی مانند دیدن، پرتاب کردن و... و یا عملی انتزاعی چون استعفا کردن، شروع کردن، ختم کردن و... را شامل می‌شود؛ مشارکین این نوع فرآیند "کنشگر" و "هدف" نامیده می‌شوند. مثلاً: علی دیروز موهایش را اصلاح کرد؛ و یا روغن به صورت قطره‌قطره اضافه می‌شود.

کنشگر + عنصر موقعیتی + هدف + فرآیند مادی + عنصر موقعیتی + فرآیند مادی

۲- فرآیند ذهنی: یک طبقه معنایی است و مربوط به تجارب دنیای درون می‌باشد. این نوع فرآیند در افعالی مانند فکر کردن، تصور کردن، خواستن، و... نمود پیدا می‌کند. دو مشارک اصلی آن "حسگر" و "پدیده" نام دارند. مثلاً:

بچه‌ها حقیقت را فهمیدند. حسگر + پدیده + فرآیند ذهنی

۳- فرایندهای رابطه‌ای: نقش این نوع فرآیند، نشان دادن وجود رابطه بین یک چیز و یک ویژگی است. در این نوع فرآیند فقط یک مشارک (واقعی) وجود دارد. انواع فرایندهای رابطه‌ای عبارت‌اند از: الف- اسنادی^۵: در این صورت مشارک دوم عمدتاً صفت یا اسمی نکره می‌باشد و نقش آن نسبت دادن یک ویژگی به یک چیز است.

مثال: He felt uneasy

شاخصه^۶ فرآیند رابطه‌ای + حامل^۷

ب) هویت‌بخشی^۸: در این نوع فرآیند رابطه‌ای مشارک دوم عمدتاً اسمی معرفه می‌باشد و نقش آن معرفی یک چیز، با استفاده از یک چیز دیگر است. در این نوع رابطه، برگشت‌پذیری ممکن است؛ یعنی جای

-
1. Actor
 2. Goal
 3. Sensor
 4. Phenomenon
 5. Attributive
 6. Attribute
 7. Carrier
 8. Identifying

شناخته^۱ و شناسا^۲ امکان تغییر دارد چون $X=Y$. مثال: Pat isher brother که می‌تواند Her brother is Pat باشد.

شناسا + فرایند رابطه‌ای + شناخته شناخته + فرایند + شناسا

تقسیم‌بندی دیگری نیز از فرایندهای رابطه‌ای به شکل زیر وجود دارد: ۱- تأکیدی تقریباً همان اسنادی است: مثال The room was sunless. ۲- موقعیتی: مانند تأکیدی است اما مفاهیمی چون مکان، زمان و ... را منتقل می‌کند. مثال: The kitchen was at the back of the home. ۳- ملکی: مفهوم مالکیت را بیان می‌کند. مثال:

Do you have any bigger one? و یا She had terrible things tosay.

سه نوع دیگر فرایندها که حاصل ترکیب ویژگی‌های معنایی و ساختاری بوده و معمولاً مرز بین دو فرایند دیگر قرار می‌گیرند و به‌عنوان فرایندهای فرعی مطرح‌اند عبارت‌اند از:

۴. فرایند بیانی: این فرایند مرز میان فرایندهای مادی و ذهنی بوده و انجام یک عمل فیزیکی (گفتن) است که ماحصل یک فعالیت ذهنی است. ویژگی بارز این فرایند انتقال پیام به‌وسیله زبان می‌باشد. مشارکین این نوع فرایند "گوینده"^۴ و "گیرنده"^۵ نام دارند. گیرنده یک مشارک متممی است و غالباً در عبارات اضافی می‌آید. مثال: I explained to her

گیرنده + فعل بیانی + گوینده

۵. فرایندهای رفتاری: این نوع فرایند مرز بین فرایند ذهنی و مادی بوده و بیشتر با ویژگی‌های ذهنی‌شان شناخته شده‌اند. به‌طور خاص به شرایط فیزیولوژیکی انسان مرتبطند و فقط یک مشارک به نام رفتارگر^۶ دارند. افعالی چون مشاهده کردن، گریه کردن، گوش دادنو ... از این جمله‌اند. در این نوع فرایند عنصری با نام محدوده^۷ نیز می‌تواند به‌کار رود که در واقع مشارک واقعی نیست بلکه ویژگی‌هایی از فرایند را مشخص می‌کند. مثال: She gave a faint sigh.

محدوده + فرایند رفتاری + رفتارگر

۶. فرایندهای وجودی: در این نوع فرایند صرفاً وجود یک عنصر بیان می‌شود و آشکارا با فرایندهای رابطه‌ای فرایندهای مادی (از نوع رخ دادن) مرتبطند. می‌توان آن‌ها به نوعی بازگویی کرد که در آن از فعل وجود دارد (که خود یک فرایند مادی است) استفاده شود. این فرایند یک مشارک دارد که آن را موجود^۸ می‌نامیم. ساختار خاص آن در انگلیسی با there شروع می‌شود.

1. Identified
2. Identifier
3. Intensive
4. Sayer
5. Receiver
6. Behavior
7. Range
8. Existant

علاوه بر مشارکینی که تاکنون اشاره کردیم برخی مشارکین دیگر نیز در بندها استفاده می‌شوند که متمم‌های حرف‌اضافه‌ای^۱ از آن جمله‌اند. این مشارکین در قالب عبارات اضافی آمده و نه به‌مانند عناصر مرکزی (فاعل^۲ و متمم^۳ در منظر فرانقش بینافردي) مستقیم با فعل در ارتباطند و نه مانند عناصر موقعیتی ارتباط غیرمستقیم با فعل دارند؛ بلکه یک حالت بینابینی در زمینه نزدیکی خود به معنای تجربی مرکزی در بند دارند (تامسون، ۱۰۳). به این نوع مشارک عنوان بهره‌گیر^۴ اطلاق می‌شود که همان مفعول غیرمستقیم بوده و با حرف اضافه to یا for و یا بدون حرف اضافه به‌کار می‌رود. مثال: I bought them computer game last year. [I bought computer game for them]

مشارک دیگر محدوده می‌باشد که در همه فرایندها به‌جز فرایندهای وجودی به‌کار می‌رود. در فرایندهای رفتاری، محدوده بیشتر یک عنصر موقعیتی است تا یک مشارک. مثال: We must have walked 3 miles. هر جا مفهوم مشارک هدف در بندهای مادی و رفتاری نامناسب بنماید، می‌توان نتیجه گرفت که با یک محدوده سروکار داریم.

عناصر موقعیتی^۵ با ادات^۶ نشان داده می‌شوند و پس‌زمینه‌ای را نشان می‌دهند که فرایند در آن واقع شده است. این عناصر اغلب در گروه‌های اسمی نمود پیدا می‌کنند که به‌وسیله حرف‌اضافه و به‌صورت غیرمستقیم با فعل در ارتباطند. برخی انواع آن عبارت‌اند از: مکان^۷، گستره^۸، حالت^۹، علت^{۱۰}، نقش^{۱۱} و ... در تحلیل متن براساس ساختار کنایی این موضوع مورد اهمیت است که یک فرایند ممکن است خودبه‌خود اتفاق بیافتد یا چیزی باعث اتفاق آن شود. عنصری که در این نوع تحلیل نقش مهمی ایفا می‌کند عنصر میانجی^{۱۲} است. مثال:

(کنایی) we increased our profit over the year.

عنصر موقعیتی زمان + میانجی + فرایند + کنشگر

ساختار کنایی خیلی به مفهوم سببی^{۱۳} نزدیک است و در آن وجود سبب (عدم وجود آن) مهم است. از منظر ساختار گذرایی، کنشگر کاری انجام می‌دهد که ممکن است مشارک دیگر را تحت تأثیر قرار بدهد یا ندهد ولی از منظر ساختار کنایی، میانجی میزبان فرایندی است که ممکن است مشارک دیگر مسبب آن

1. Oblique
2. Subject
3. Complement
4. Beneficiary
5. Circumstances
6. Adjuncts
7. Location
8. Extent
9. Manner
10. Cause
11. Role
12. Medium
13. Causation

باشد یا نباشد (تامسون، ۱۹۹۶: ۱۱۴). ساخت کنایی با مفهوم تغییر همراه است که می‌تواند از درون خود یا تحت تأثیر نیروی مسبب بیرونی باشد.

تجزیه و تحلیل متن خطبه جهاد

با توجه به آنچه تاکنون ذکر شد در ادامه به تجزیه و تحلیل خطبه ۲۷ نهج البلاغه از منظر ساختارگذاری فرانقش تجربی در دیدگاه دستور نقش‌گرایی نظام‌مند هلیدی پرداخته شده است. این خطبه به هنگام هجوم لشکریان معاویه به شهر انبار در سه قسمت: بخش اول در بیان فضیلت جهاد، بخش دوم در مورد دعوت به مبارزه و نکوهش از نافرمانی کوفیان و بخش آخر در موضوع بیان مظلومیت خود و علل شکست کوفیان، بیان شده و در مجموع از ۹۹ بند دارد. ابتدا فرایندها جدا و نوع آن مشخص شد. سپس نقش عناصر دیگر بند با توجه به نوع فرایند تعیین گردید. همان‌طور که تامسون (۱۹۹۶: ۱۰۰) اشاره می‌کند در برخی موارد تعیین نوع فرایند به راحتی ممکن نبود لذا در این مواقع فرایند در گروهی قرار می‌گرفت که قرابت بیشتری به آن داشت.

بند (۲): فتحه الله لخاصه اولیایه

فعل: فتح	فرایند
نوع فرایند: مادی	
الله + ه + خاصه اولیایه	شرکت‌کنندگان در
کنش گر + هدف + بهره‌گیر	فرایند و نقش آنها
	عناصر موقعیتی

بند (۱): فان الجهاد (کان) باب من ابواب الجنه

فعل: (کان)	فرایند
نوع فرایند: رابطه ای	
الجهاد + باب من ابواب الجنه	شرکت‌کنندگان در
شناخته + شناسا	فرایند و نقش آنها
	عناصر موقعیتی

بند (۴): و (هو کان) درع الله الحصینه

فعل: (کان)	فرایند
نوع فرایند: رابطه ای	
(هو) + درع الله الحصینه	شرکت‌کنندگان در
شناخته + شناسا	فرایند و نقش آنها
	عناصر موقعیتی

بند (۳): و هو (کان) لباس التقوی

فعل: (کان)	فرایند
نوع فرایند: رابطه ای	
هو + لباس التقوی	شرکت‌کنندگان در
شناخته + شناسا	فرایند و نقش آنها
	عناصر موقعیتی

بند (۶): فمن ترکه رغبه عنه

فعل: ترک	فرایند
نوع فرایند: مادی	
من + ه	شرکت‌کنندگان در
کنشگر + هدف	فرایند و نقش آنها
رغبه عنه	عناصر موقعیتی

بند (۵): و (هو کان) جنته الوثیقه

فعل: (کان)	فرایند
نوع فرایند: رابطه ای	
(هو) + جنته الوثیقه	شرکت‌کنندگان در
شناخته + شناسا	فرایند و نقش آنها
	عناصر موقعیتی

بند (۸): و شمله البلاء

فعل: شمل	فرایند
نوع فرایند:ذهنی	
هـ + البلاء	شرکت کنندگان در
حسگر+پدیده	فرایند و نقش آنها
	عناصر موقعیتی

بند (۷): البسه الله ثوب الذل

فعل: البس	فرایند
نوع فرایند:مادی	
الله + هـ + ثوب الذل	شرکت کنندگان در
کنشگر+بهره گیر +هدف	فرایند و نقش آنها
	عناصر موقعیتی

بند (۱۰): و (الله دیشه) والغماه

فعل: (دیت)	فرایند
نوع فرایند:مادی	
(الله) + هـ	شرکت کنندگان در
کنشگر +هدف	فرایند و نقش آنها
الغماه	عناصر موقعیتی

بند (۹): و (الله) دیت (سه) بالصغار

فعل: دیت	فرایند
نوع فرایند:مادی	
(الله) + هـ	شرکت کنندگان در
کنشگر +هدف	فرایند و نقش آنها
بالصغار	عناصر موقعیتی

بند (۱۲): و ادیل الحق منه بتضییع الجهاد

فعل: ادیل	فرایند
نوع فرایند:رفتاری	
الحق + هـ	شرکت کنندگان در
رفتارگر +متم حرف اضافه ای	فرایند و نقش آنها
بتضییع الجهاد	عناصر موقعیتی

بند (۱۱): و ضرب علی قلبه بالاصحاب

فعل: ضرب	فرایند
نوع فرایند:مادی	
(الله) + قلبه	شرکت کنندگان در
کنشگر +هدف	فرایند و نقش آنها
بالاصحاب	عناصر موقعیتی

بند (۱۴): و (هو) منح النصف

فعل: منح	فرایند
نوع فرایند:ذهنی	
(هو) + النصف	شرکت کنندگان در
حسگر+پدیده	فرایند و نقش آنها
	عناصر موقعیتی

بند (۱۳): و (هو) سیم الخسف

فعل: سیم	فرایند
نوع فرایند:ذهنی	
هو + الخسف	شرکت کنندگان در
حسگر+پدیده	فرایند و نقش آنها
	عناصر موقعیتی

بند (۱۶): و انی قد دعوتکم الی قتال هولاء القوم لیلا و

نهارا و سرا و اعلانا

فعل: دعوتکم	فرایند
نوع فرایند:بیانی	
سی + کم + قتال+هولاء القوم	شرکت کنندگان در
گوینده+گیرنده+متمم اضافی+گیرنده	فرایند و نقش آنها
لیلا و نهارا و سرا و اعلانا	عناصر موقعیتی

بند (۱۵): الا(وانت اعلم هذه)

فعل: (اعلم)	فرایند
نوع فرایند:ذهنی	
(انت) + (هذه)	شرکت کنندگان در
حسگر+ پدیده	فرایند و نقش آنها
	عناصر موقعیتی

بند (۱۸): (انتم) اغزوه

فعل: اغزو	فرایند
نوع فرایند:مادی	
(انتم) + هم	شرکت کنندگان در
کنشگر + هدف	فرایند و نقش آنها
	عناصر موقعیتی

بند (۱۷): و (انی) قلت لکم

فعل: قلت	فرایند
نوع فرایند:بیانی	
سی + کم	شرکت کنندگان در
گوینده+گیرنده	فرایند و نقش آنها
	عناصر موقعیتی

بند (۲۰): فوالله (انا اقسام بالله)

فرایند	فعل: (اقسم)
شرکت کنندگان در فرایند و نقش آنها	نوع فرایند: بیانی (انا) + (الله)
عناصر موقعیتی	گوینده + گیرنده

بند (۱۹): (هم) قبل ان یغزوکم

فرایند	فعل: یغزو
شرکت کنندگان در فرایند و نقش آنها	نوع فرایند: مادی (هم) + کم
عناصر موقعیتی	کنشگر + هدف قبل

بند (۲۲): (هم) الا ذلوا

فرایند	فعل: ذلوا
شرکت کنندگان در فرایند و نقش آنها	نوع فرایند: ذهنی (هم)
عناصر موقعیتی	حسگر + (پدیده در فعل مستتر)

بند (۲۱): ماغزی (انسانا) قوم قط فی عقر دارهم

فرایند	فعل: غزی
شرکت کنندگان در فرایند و نقش آنها	نوع فرایند: مادی (انسانا) + قوم
عناصر موقعیتی	کنشگر + هدف فی عقر دارهم

بند (۲۴): (انتم) تخاذلتم

فرایند	فعل: (انتم) تخاذلتم
شرکت کنندگان در فرایند و نقش آنها	نوع فرایند: ذهنی (انتم)
عناصر موقعیتی	حسگر + (پدیده در فعل مستتر)

بند (۲۳): ف (انتم) تواکلتهم

فرایند	فعل: تواکلتهم
شرکت کنندگان در فرایند و نقش آنها	نوع فرایند: رفتاری (انتم)
عناصر موقعیتی	رفتارگر

بند (۲۶): و ملکت علیکم الاوطان

فرایند	فعل: ملکت
شرکت کنندگان در فرایند و نقش آنها	نوع فرایند: مادی (هم) + علیکم الاوطان
عناصر موقعیتی	کنشگر + هدف

بند (۲۵): حتی (هم) شنت علیکم الغارات

فرایند	فعل: شنت
شرکت کنندگان در فرایند و نقش آنها	نوع فرایند: مادی (هم) + کم
عناصر موقعیتی	کنشگر + هدف حتی؛ الغارات

بند (۲۸): و قد وردت خيله الانبار

فرایند	فعل: وردت
شرکت کنندگان در فرایند و نقش آنها	نوع فرایند: مادی خيله + الانبار
عناصر موقعیتی	کنشگر + هدف

بند (۲۷): و هذا (کان) اخو غامد

فرایند	فعل: (کان)
شرکت کنندگان در فرایند و نقش آنها	نوع فرایند: رابطه ای هذا + اخو غامد
عناصر موقعیتی	شناخته + شناسا

بند (۳۰): و (خيله) ازال خيلکم عن مسالحها

فرایند	فعل: ازال
شرکت کنندگان در فرایند و نقش آنها	نوع فرایند: مادی (خيله) + خيلکم
عناصر موقعیتی	کنشگر + هدف عن مسالحها

بند (۲۹): و (خيله) قد قتل حسان بن حسان البکری

فرایند	فعل: قتل
شرکت کنندگان در فرایند و نقش آنها	نوع فرایند: مادی (خيله) + حسان بن حسان البکری
عناصر موقعیتی	کنشگر + هدف

بند (۳۲): ان الرجل منهم كان يدخل على المراه المسلمه

فعل: كان يدخل	فرايند
نوع فرايند: مادی	
رجل منهم + المراه المسلمه	شرکت کنندگان در
کنشگر + هدف	فرايند و نقش آنها
_____	عناصر موقعیتی

بند (۳۱): و (فلانا) لقد بلغنی

فعل: بلغنی	فرايند
نوع فرايند: بیانی	
(فلانا) + می	شرکت کنندگان در
گوینده + گیرنده	فرايند و نقش آنها
_____	عناصر موقعیتی

بند (۳۴): فینتزع (الرجل) حجلها

فعل: ینتزع	فرايند
نوع فرايند: مادی	
(الرجل) + حجلها	شرکت کنندگان در
کنشگر + هدف	فرايند و نقش آنها
_____	عناصر موقعیتی

بند (۳۳): و (ان الرجل منهم كان يدخل على الاخرى المعاهده

فعل: (كان يدخل)	فرايند
نوع فرايند: مادی	
رجل + المراه الاخرى	شرکت کنندگان در
کنشگر + هدف	فرايند و نقش آنها
_____	عناصر موقعیتی

بند (۳۶): و (فینتزع الرجل) رعنها

فعل: (ینتزع)	فرايند
نوع فرايند: مادی	
(الرجل) + رعنها	شرکت کنندگان در
کنشگر + هدف	فرايند و نقش آنها
_____	عناصر موقعیتی

بند (۳۵): و (فینتزع الرجل) قلائدها

فعل: (ینتزع)	فرايند
نوع فرايند: مادی	
(الرجل) + قلائدها	شرکت کنندگان در
کنشگر + هدف	فرايند و نقش آنها
_____	عناصر موقعیتی

بند (۳۸): و (ما تمتنع منها الا) بالاسترحام

فعل: تمتنع	فرايند
نوع فرايند: مادی	
(هم) + منها	شرکت کنندگان در
کنشگر + هدف	فرايند و نقش آنها
_____	عناصر موقعیتی

بند (۳۷): ما تمتنع (هم) منها الا بالاسترجاع

فعل: تمتنع	فرايند
نوع فرايند: مادی	
(هم) + منها	شرکت کنندگان در
کنشگر + هدف	فرايند و نقش آنها
_____	عناصر موقعیتی

بند (۴۰): ما نال رجلا منهم كلم

فعل: ما نال	فرايند
نوع فرايند: بیانی	
رجلا منهم + كلم	شرکت کنندگان در
گوینده + گفته	فرايند و نقش آنها
_____	عناصر موقعیتی

بند (۳۹): (هم) ثم انصرفوا (الحرب) وافرین

فعل: انصرفوا	فرايند
نوع فرايند: مادی	
(هم) + (الحرب)	شرکت کنندگان در
کنشگر + هدف	فرايند و نقش آنها
_____	عناصر موقعیتی

بند (۴۲): فلو ان امرا مسلما مات من يعد هذا اسفا

فعل: مات	فرايند
نوع فرايند: مادی	
امرا مسلما	شرکت کنندگان در
هدف (میانجی)	فرايند و نقش آنها
_____	عناصر موقعیتی

بند (۴۱): و لا اریق لهم دم

فعل: لا اریق	فرايند
نوع فرايند: مادی	
لهم + دم	شرکت کنندگان در
هدف + کنشگر	فرايند و نقش آنها
_____	عناصر موقعیتی

بند (۴۴): بل کان (هذا) به عندی جدیرا

فرایند	فعل: کان
شرکت کنندگان در فرایند و نقش آنها	نوع فرایند: رابطه ای هذا + عندی + جدیرا
عناصر موقعیتی	حامل + متمم اضافی + شاخصه

بند (۴۳): ما کان (هو) به ملوما

فرایند	فعل: ما کان
شرکت کنندگان در فرایند و نقش آنها	نوع فرایند: رابطه ای (امرا مسلما) + ملوما
عناصر موقعیتی	حامل + شاخصه

بند (۴۶): و الله یمیت القلب

فرایند	فعل: یمیت
شرکت کنندگان در فرایند و نقش آنها	نوع فرایند: مادی الله + القلب
عناصر موقعیتی	کنشگر + هدف

بند (۴۵): فیا عجا (فهذا کان عجیبا)

فرایند	فعل: (کان)
شرکت کنندگان در فرایند و نقش آنها	نوع فرایند: رابطه ای (هذا) + (عجیبا)
عناصر موقعیتی	حامل + شاخصه

بند (۴۸): و انتم تفرقکم عن حکم

فرایند	فعل: تفرق
شرکت کنندگان در فرایند و نقش آنها	نوع فرایند: مادی (انتم) + کم + حکم
عناصر موقعیتی	کنشگر + هدف + متم اضافی

بند (۴۷): و (الله) یجلب الهم من اجتماع هولاء القوم علی باطلهم

فرایند	فعل: یجلب
شرکت کنندگان در فرایند و نقش آنها	نوع فرایند: مادی (الله) + الهم + اجتماع هولاء القوم
عناصر موقعیتی	کنشگر + هدف + بهره گیر

بند (۵۰): و هذا کان ترحا (لکم)

فرایند	فعل: (کان)
شرکت کنندگان در فرایند و نقش آنها	نوع فرایند: رابطه ای (هذا) + ترحا + (لکم)
عناصر موقعیتی	حامل + شاخصه + بهره گیر

بند (۴۹): هذا کان قبحا لکم

فرایند	فعل: (کان)
شرکت کنندگان در فرایند و نقش آنها	نوع فرایند: رابطه ای (هذا) + قبحا + لکم
عناصر موقعیتی	حامل + شاخصه + بهره گیر

بند (۵۲): هم یغار علیکم

فرایند	فعل: یغار
شرکت کنندگان در فرایند و نقش آنها	نوع فرایند: مادی (هم) + علیکم
عناصر موقعیتی	کنشگر + هدف

بند (۵۱): حین انتم صرتم غرضا یرمی

فرایند	فعل: صرتم
شرکت کنندگان در فرایند و نقش آنها	نوع فرایند: رابطه ای (انتم) + غرضا یرمی
عناصر موقعیتی	شناخته + شناسا

بند (۵۴): و هم تغزون (علیکم)

فرایند	فعل: تغزون
شرکت کنندگان در فرایند و نقش آنها	نوع فرایند: مادی (هم) + (علیکم)
عناصر موقعیتی	کنشگر + هدف

بند (۵۳): و انتم لا تغیرون (علیهم)

فرایند	فعل: تغیرون
شرکت کنندگان در فرایند و نقش آنها	نوع فرایند: مادی (انتم) + (علیهم)
عناصر موقعیتی	کنشگر + هدف

بند (۵۶): و (هم) يعصى الله

فعل: يعصى	فرايند
نوع فرايند: مادی	
(هم) + الله	شرکت کنندگان در
کنشگر + هدف	فرايند و نقش آنها
	عناصر موقعیتی

بند (۵۵): و (انتم) لا تغزون (عليهم)

فعل: تغزون	فرايند
نوع فرايند: مادی	
(انتم) + (عليهم)	شرکت کنندگان در
کنشگر + هدف	فرايند و نقش آنها
	عناصر موقعیتی

بند (۵۸): فاذا (انا) امرتکم بالسیر اليهم في ايام الحر

فعل: امرتکم	فرايند
نوع فرايند: بیانی	
(انا) + کم + بالسیر	شرکت کنندگان در
گوینده + گیرنده + موضوع	فرايند و نقش آنها
بالسیر في ايام الحر	عناصر موقعیتی

بند (۵۷): و (انتم) ترضون

فعل: ترضون	فرايند
نوع فرايند: ذهنی	
(انتم) + (رضا)	شرکت کنندگان در
حسگر + پدیده مستتر در فعل	فرايند و نقش آنها
	عناصر موقعیتی

بند (۶۰): هذه (کان) حماره القیظ

فعل: (کان)	فرايند
نوع فرايند: رابطه ای	
هذه + حماره القیظ	شرکت کنندگان در
حامل + شاخصه	فرايند و نقش آنها
	عناصر موقعیتی

بند (۵۹): (انتم) قلتم (لی)

فعل: قلتم	فرايند
نوع فرايند: بیانی	
(انتم) + (لی)	شرکت کنندگان در
گوینده + گیرنده	فرايند و نقش آنها
	عناصر موقعیتی

بند (۵۶): و (هم) يعصى الله

فعل: يعصى	فرايند
نوع فرايند: مادی	
(هم) + الله	شرکت کنندگان در
کنشگر + هدف	فرايند و نقش آنها
	عناصر موقعیتی

بند (۵۵): و (انتم) لا تغزون (عليهم)

فعل: تغزون	فرايند
نوع فرايند: مادی	
(انتم) + (عليهم)	شرکت کنندگان در
کنشگر + هدف	فرايند و نقش آنها
	عناصر موقعیتی

بند (۵۸): فاذا (انا) امرتکم بالسیر اليهم في ايام الحر

فعل: امرتکم	فرايند
نوع فرايند: بیانی	
(انا) + کم + بالسیر	شرکت کنندگان در
گوینده + گیرنده + موضوع	فرايند و نقش آنها
بالسیر في ايام الحر	عناصر موقعیتی

بند (۵۷): و (انتم) ترضون

فعل: ترضون	فرايند
نوع فرايند: ذهنی	
(انتم) + (رضا)	شرکت کنندگان در
حسگر + پدیده مستتر در فعل	فرايند و نقش آنها
	عناصر موقعیتی

بند (۶۰): هذه (کان) حماره القیظ

فعل: (کان)	فرايند
نوع فرايند: رابطه ای	
هذه + حماره القیظ	شرکت کنندگان در
حامل + شاخصه	فرايند و نقش آنها
	عناصر موقعیتی

بند (۵۹): (انتم) قلتم (لی)

فعل: قلتم	فرايند
نوع فرايند: بیانی	
(انتم) + (لی)	شرکت کنندگان در
گوینده + گیرنده	فرايند و نقش آنها
	عناصر موقعیتی

بند (۶۲): یسیخ عنا الحر فعل: یسیخ نوع فرایند: مادی عنا+الحر بهره گیر+کنشگر عناصر موقعیتی	بند (۶۱): (انت) امهلنا فعل: امهلنا نوع فرایند: مادی (انت)+عنا کنشگر+هدف عناصر موقعیتی
بند (۶۴): (انتم) قلتم (لی) فعل: قلتم نوع فرایند: بیانی (انتم)+(لی) گوینده + گیرنده عناصر موقعیتی	بند (۶۳): و اذا امرتکم بالسیر الیهم فی الشتاء فعل: امرتکم نوع فرایند: بیانی (انا) + کم + بالسیر گوینده + گیرنده+متمم اضافی فی الشتاء عناصر موقعیتی
بند (۶۶): (انت) امهلنا فعل: امهلنا نوع فرایند: مادی (انت)+عنا کنشگر+هدف عناصر موقعیتی	بند (۶۵): هذه (کان) صباره القر فعل: (کان) نوع فرایند: رابطه ای هذه + صباره القر حامل+ شاخصه عناصر موقعیتی
بند (۶۸): کل هذا (کان) فرار من الحر فعل: (کان) نوع فرایند: رابطه ای هذا + فرار+الحر حامل+ شاخصه+ متمم اضافی عناصر موقعیتی	بند (۶۷): ینسلخ عنا البرد فعل: ینسلخ نوع فرایند: مادی عنا+البرد بهره گیر+کنشگر عناصر موقعیتی
بند (۷۰): فاذا کنتم من الحر و القر تفرون فعل: تفرون نوع فرایند: مادی کنتم+ الحر و القر کنشگر+ متمم اضافی عناصر موقعیتی	بند (۶۹): و(کل هذا کان فرار من) القر فعل: (کان) نوع فرایند: رابطه ای (هذا) + (فرار)+القر حامل+ شاخصه+ متمم اضافی عناصر موقعیتی
بند (۷۲): والله (انا اقسام بالله) فعل: (اقسم) نوع فرایند: بیانی (انا) + (الله) گوینده + گیرنده عناصر موقعیتی	بند (۷۱): فاتم [والله] (کان) من السیف افر فعل: کان نوع فرایند: رابطه ای انتم+ السیف+افر حامل+ متمم اضافی+ شاخصه عناصر موقعیتی

بند (۷۳): یا (انتم کان) اشباه الرجال

فرایند	فعل: (کان)
شرکت کنندگان در فرایند و نقش آنها	نوع فرایند: رابطه ای انتم + اشباه الرجال شناخته + شناسا
عناصر موقعیتی	

بند (۷۴): و (انتم کان) لارجال

فرایند	فعل: (کان)
شرکت کنندگان در فرایند و نقش آنها	نوع فرایند: رابطه ای (انتم) + لا رجال شناخته + شناسا
عناصر موقعیتی	

بند (۷۵): (انتم کان) حلوم الاطفال

فرایند	فعل: (کان)
شرکت کنندگان در فرایند و نقش آنها	نوع فرایند: رابطه ای (انتم) + حلوم الاطفال شناخته + شناسا
عناصر موقعیتی	

بند (۷۶): و (انتم کان) عقول رباب الجحال

فرایند	فعل: (کان)
شرکت کنندگان در فرایند و نقش آنها	نوع فرایند: رابطه ای (انتم) + عقول رباب الجحال شناخته + شناسا
عناصر موقعیتی	

بند (۷۷): (انا) لوددت

فرایند	فعل: لوددت
شرکت کنندگان در فرایند و نقش آنها	نوع فرایند: ذهنی انا + بند بعدی حسگر + پدیده (کل بند بعد)
عناصر موقعیتی	

بند (۷۸): انی لم ارکم

فرایند	فعل: ارکم
شرکت کنندگان در فرایند و نقش آنها	نوع فرایند: ذهنی انی + کم حسگر + پدیده
عناصر موقعیتی	

بند (۷۹): و (انی) لم اعرفکم

فرایند	فعل: اعرفکم
شرکت کنندگان در فرایند و نقش آنها	نوع فرایند: ذهنی انی + کم حسگر + پدیده
عناصر موقعیتی	

بند (۸۰): والله (انا اقسام بالله)

فرایند	فعل: اقسام
شرکت کنندگان در فرایند و نقش آنها	نوع فرایند: بیانی (انا) + (الله) گوینده + متمم اضافی
عناصر موقعیتی	

بند (۸۱): معرفه جرت ندما

فرایند	فعل: جرت
شرکت کنندگان در فرایند و نقش آنها	نوع فرایند: ذهنی معرفه + ندما حسگر + پدیده
عناصر موقعیتی	

بند (۸۲): و (معرفه) اعقبت سدما

فرایند	فعل: اعقبت
شرکت کنندگان در فرایند و نقش آنها	نوع فرایند: ذهنی معرفه + سدما حسگر + پدیده
عناصر موقعیتی	

بند (۸۳): فاتلکم الله

فرایند	فعل: قاتل
شرکت کنندگان در فرایند و نقش آنها	نوع فرایند: مادی کم + الله هدف + کنشگر
عناصر موقعیتی	

بند (۸۴): لقد (انتم) ملات قلبی قیحا

فرایند	فعل: ملات
شرکت کنندگان در فرایند و نقش آنها	نوع فرایند: مادی (انتم) + قلبی کنشگر + هدف قیحا
عناصر موقعیتی	

بند (۸۶): و (انتم) جرعتمونی نغب التهمام انفاسا

فرایند	فعل: جرعتمونی
	نوع فرایند: مادی
شرکت کنندگان در	(انتم) + نغب التهمام
فرایند و نقش آنها	کنشگر + هدف
عناصر موقعیتی	_____

بند (۸۵): و (انتم) شحنتم صدری قیظا

فرایند	فعل: شحنتم
	نوع فرایند: مادی
شرکت کنندگان در	(انتم) + صدری
فرایند و نقش آنها	کنشگر + هدف
عناصر موقعیتی	قیظا

بند (۸۸): و (انتم) افسدتم علی رایبی (با الخذلان

فرایند	فعل: افسدتم
	نوع فرایند: ذهنی
شرکت کنندگان در	(انتم) + رایبی + الخذلان
فرایند و نقش آنها	حسگر + پدیده + متمم اضافی
عناصر موقعیتی	_____

بند (۸۷): و (انتم) افسدتم علی رایبی بالعصیان

فرایند	فعل: افسدتم
	نوع فرایند: ذهنی
شرکت کنندگان در	(انتم) + رایبی + العصیان
فرایند و نقش آنها	حسگر + پدیده + متمم اضافی
عناصر موقعیتی	_____

بند (۹۰): ان ابن ابی طالب (کان) رجل شجاع

فرایند	فعل: (کان)
	نوع فرایند: رابطه ای
شرکت کنندگان در	ابن ابی طالب + رجل شجاع
فرایند و نقش آنها	حامل + شاخصه
عناصر موقعیتی	_____

بند (۸۹): حتی لقد قالت قریش (بالقریش)

فرایند	فعل: قالت
	نوع فرایند: بیانی
شرکت کنندگان در	القریش + (بالقریش)
فرایند و نقش آنها	گوینده + گیرنده
عناصر موقعیتی	_____

بند (۹۲): لله ابوهم (رحم اله ابوهم)

فرایند	فعل: (رحم)
	نوع فرایند: مادی
شرکت کنندگان در	الله + ابوهم
فرایند و نقش آنها	کنشگر + هدف
عناصر موقعیتی	_____

بند (۹۱): ولکن (کان) لا علم له بالحرب

فرایند	فعل: (کان)
	نوع فرایند: رابطه ای
شرکت کنندگان در	ه + علم بالحرب
فرایند و نقش آنها	مالک + ملک
عناصر موقعیتی	_____

بند (۹۴): و (هل احد منهم اقدم فیها مقاما منی (موجود)

فرایند	فعل: (موجود)
	نوع فرایند: وجودی
شرکت کنندگان در	احد منهم + اقدم فیها مقاما + منی
فرایند و نقش آنها	بهره گیر + موجود + متمم اضافی
عناصر موقعیتی	_____

بند (۹۳): و هل احد منهم اشد لها مراسا (موجود)

فرایند	فعل: (موجود)
	نوع فرایند: وجودی
شرکت کنندگان در	احد منهم + اشد لها مراسا
فرایند و نقش آنها	بهره گیر + موجود
عناصر موقعیتی	_____

بند (۹۶): و (انا) ما بلغت العشرين

فرایند	فعل: بلغت
	نوع فرایند: رابطه ای
شرکت کنندگان در	(انا) + العشرين
فرایند و نقش آنها	مالک + ملک
عناصر موقعیتی	_____

بند (۹۵): لقد (انا) نهضت فیها

فرایند	فعل: نهضت
	نوع فرایند: مادی
شرکت کنندگان در	انا
فرایند و نقش آنها	کنشگر
عناصر موقعیتی	فیها

بند (۹۸): و لکن (کان) لا رای

فعل: (کان)	فرایند
نوع فرایند: وجودی	شرکت کنندگان در
رای	فرایند و نقش آنها
موجود	عناصر موقعیتی

بند (۹۷): و ها انا ذا قد ذرفت علی الستین

فعل: ذرفت	فرایند
نوع فرایند: رابطه ای	شرکت کنندگان در
انا+الستین	فرایند و نقش آنها
مالک+ ملک	عناصر موقعیتی

بند (۹۹): لمن لا یطاع (امرہ)

فعل: یطاع	فرایند
نوع فرایند: ذهنی	شرکت کنندگان در
من+ (امرہ)	فرایند و نقش آنها
حسگر+ پدیده	عناصر موقعیتی

تجزیه و تحلیل اطلاعات و بحث

همان طور که ذکر شد در تحلیل متن از منظر فرانشس تجربی براساس ساختارگذاری آن، باید به سه سؤال پاسخ داد. پاسخ هر یک از این سؤالها در روشن نمودن معنای متن و آشکار کردن نقش هر بند به سهم خود ایفای نقش می کند. لذا در ادامه سؤالات مذکور مطرح شده و سعی شده است پاسخ آنها را براساس تحلیل بندهای این خطبه بدهیم.

۱. نوع فرایندهای به کاررفته در متن چیست؟ چرا؟

در یک نگاه کلی به متن بسامد انواع فرایندهای به کار رفته در این خطبه به شکل زیر است:

ردیف	نوع فرایند	آشکار	محدوف	مجموع
۱	مادی	۳۷	۶	۴۳
۲	ذهنی	۱۴	۱	۱۵
۳	رابطه ای	۴	۲۰	۲۴
۴	بیانی	۹	۳	۱۲
۵	رفتاری	۲	-	۲
۶	وجودی	۱	۲	۳
۷	مجموع	۶۶	۳۳	۹۹

هلیدی (۲۰۰۴) معتقد است با تغییر موضوع متن، نوع و میزان فراوانی فرایندها تغییر می کند. برای مثال در متون مربوط به دستورالعملها بیشتر از فرایندهای مادی استفاده شده ولی در متون گزارشی و خبری فرایند بیانی بیشتر به کار می رود؛ و فرایندهای غالب در متون روایتی اکثراً فرایندهای وجودی و رابطه ای هستند. همان طور که در جدول فوق نیز مشخص است در بیش از چهل درصد از موارد، فرایندها

به کار رفته در این خطبه از نوع مادی می‌باشند که این امر با توجه به پرداختن متن به موضوع جهاد دور از انتظار نیست.

درصد نسبتاً بالای فرایندهای رابطه‌ای در مقایسه با سایر انواع فرایندها، در حدود ۲۵ درصد از موارد، مشخص می‌کند قسمت‌هایی از این خطبه جنبه توصیف دارد چراکه این فرایند، نشان از رابطه بین یک چیز و یک ویژگی دارد. این کارکرد فرایند در چند قسمت خطبه پررنگ‌تر است. ابتدا در بخش اول حضرت امیر در چهاربند (۱،۳،۴،۵) به توصیف جهاد پرداخته و ویژگی‌های مثبت حضور در میدان نبرد را جهت مبارزه با دشمنان اسلام برشمرده است.

در بخش سوم خطبه نیز حضرت علی(ع) در پنج بند متوالی از این نوع فرایند جهت معرفی مردم جامعه خود (مردم کوفه) استفاده کرده و ویژگی‌های منفی آن‌ها و جایگاه واقعی آن‌ها را به خودشان یادآوری می‌کند. در غالب موارد (۲۱ مورد از ۲۵ مورد) فعل محذوف "کان" نشان‌دهنده‌ی فرایند رابطه‌ای می‌باشد. این ویژگی زبان عربی بوده و یک وجه تمایز آن با زبان انگلیسی می‌باشد.

در بندهای پایانی خطبه نیز در دو مورد (بند ۹۶ و ۹۷)، فرایندی رابطه‌ای به کار رفته است که در آن‌ها حضرت علی(ع) دو موقعیت سنی خود یعنی ۲۰ سالگی و ۶۰ سالگی‌اش را در کنار هم قرار داده تا ادعای مردمی که او را بی‌تجربه در جنگ می‌خواندند (بند ۹۱) رد کند. کسی که در قبل از ۲۰ سالگی دلاوری جنگ آور بوده است چگونه می‌توان او را در ۶۰ سالگی بدون دانش جنگی خواند!

بخش اول خطبه، در چند بند به بیان فضیلت‌های جهاد پرداخته و شش بند با فرایند مادی، ۳ بند با فرایند ذهنی و یک بند با فرایند رفتاری، مجموع ۱۴ بند آن را شکل داده‌اند. آن‌چه جلب توجه می‌نماید این است که چهار مورد از شش فرایند مادی در واقع کنشی در یک فضایی انتزاعی است؛ مثلاً پوشاندن لباس ذلت بر تارکین جهاد، افتادن آن‌ها در خواری و مصیبت و پوشاندن قلب آن‌ها با ابرهای تاریکی (بند ۷، ۹، ۱۰ و ۱۱). لذا می‌توان گفت حضرت علی(ع) سعی نموده در یک فضای ذهنی ردایل ترک جهاد را برای مخاطبین خود به تصویر بکشد.

حضرت علی(ع) بخش دوم خطبه را که به هدف دعوت به جهاد ایراد فرموده‌اند، با دو فرایند بیانی آغاز می‌کنند؛ "دعوت" بند ۱۶ و "قلت" بند ۱۷. ایشان در این دو بند به آن‌چه قبلاً به قوم خویش فرموده است اشاره می‌کند و آن چیزی جز دعوت به مبارزه و جهاد نیست؛ لذا به‌طور مثال، سه مورد از بندهای بعدی با فعل‌هایی از بن غزو (بند ۱۸، ۱۹ و ۲۱) و در چند بند با فعل‌هایی که صحنه جنگ را به تصویر می‌کشند (بند ۲۵، ۲۶) از فرایندهای مادی استفاده کرده است. در ادامه نیز اتفاقات حمله دشمن به شهر انبار و رخدادهای مربوط به آن را با استفاده از فرایندهای مادی در تمامی بندهای این بخش بیان می‌کنند. این بخش خطبه جمعاً ۵۸ بند دارد، بیش از پنجاه مورد از فرایندهای این بخش از نوع مادی بوده و در حدود ده مورد فعل‌هایی با مفهوم مبارزه و نزاع به‌طور آشکارو در چندین مورد دیگر نیز فرایندهایی مادی که اتفاقات و رخدادهای مربوط به جنگ را تبیین می‌کنند استفاده شده است که این در راستای موضوع این بخش از خطبه یعنی دعوت به جهاد می‌باشد.

بخش سوم خطبه که به بیان مظلومیت حضرت امیر و علل شکست کوفیان می‌پردازد، در مجموع از ۲۷ بند تشکیل شده است. آنچه در بررسی اولیه جلب توجه می‌کند درصد کمتر فرایندهای مادی به‌کاررفته در این بخش خطبه، نسبت به بخش دوم آن می‌باشد بیش از ۵۰ درصد فرایندهای بخش دوم از نوع مادی بوده ولی بخش سوم حدوداً ۱۸ درصد از فرایندها مادی هستند. دلیل آن می‌تواند موضوع متفاوت دو بخش باشد.

همان‌طور که ذکر شد شروع بخش سوم با چند بند با فرایند رابطه‌ای به‌منظور بیان ویژگی و صفات مردم کوفه است. سپس حضرت علی احساس خود را نسبت به این مردم با استفاده از چند فرایند ذهنی در بندهای ۷۹، ۸۱، ۷۸، ۷۷ و ۸۲ به تصویر می‌کشد.

در بندهای پایانی سه مورد فرایند وجودی به‌کار رفته است که فعل آن‌ها محذوف می‌باشد، بندهای ۹۳، ۹۴ که در آن‌ها وجود تجربه‌های جنگی سخت‌تر و جایگاه رفیع‌تر از حضرت علی (ع) در امور جنگی مورد سؤال و البته تردید است. بند ۹۸ هم بر عدم امکان وجود "رای" برای کسی که امر او اطاعت نمی‌شود دلالت دارد که نتیجه آن بر داشتن مسؤولیت از گردن آدم بدون رأی می‌باشد، بند ۹۹. دو سؤال بعدی که مربوط به تحلیل ساختارگذاری متن مطرح می‌شود، به دلیل این که در واقع به یک موضوع واحد (مشارک) برمی‌گردند، در یک قسمت به‌طور همزمان بررسی می‌شوند.

۲- چند مشارک می‌توانند (باید) در فرایند درگیر باشد؟

۳- نقش مشارکین در فرایندها چیست؟

در بندهای ابتدایی بخش اول خطبه، مشارک اصلی "جهاد" است که موضوع مورد بحث می‌باشد و مشارکین دیگر چون "باب‌الجنه"، "لباس‌التقوی"، "درع‌الحصینه" و "جنته‌الوثیقه" به‌عنوان شناسا برای آن عنصر شناخته (و یا ضمیری که به آن برمی‌گردد) به‌کار رفته‌اند. در چند بند این بخش "الله" به‌عنوان مشارک کنشگر در فرایندهای مادی به‌کار رفته است. بندهای ۷، ۹ و ۱۰ از آن جمله‌اند. در این بندها حضرت علی (ع) جامعه مخاطب خود، یعنی مردم کوفه را از خشم خدا در صورت ترک جهاد آگاهی می‌دهد. مشارک دوم این بندها نتیجه خشم خدا را در اثر ترک جهاد بیان می‌کنند: لباس ذلت، خواری و پستی.

در بخش دوم خطبه با توجه به سیر اتفاقاتی که توضیح داده می‌شود، مشارکینی متفاوت نقش‌های گوناگونی را بازی می‌کنند. ابتدا حضرت علی (ع) خودش را به‌عنوان گوینده و مشارک اول بندهای بیانی ۱۶ و ۱۷ با استفاده از ضمیر "انی" وارد جریان سخنوری‌اش می‌کند. دو مشارک دیگری که در این بخش خطبه در چند مورد ذکر شده‌اند "مردم کوفه" و "سپاهیان معاویه" هستند که صحنه جنگ مقابل هم قرار می‌گیرند. این مشارکین چه به‌صورت آشکار (مثلاً "هم" در بند ۱۸، "کم" در بند ۱۹ و چه به‌صورت محذوف (مثلاً "انتم" در بندهای ۲۳ و ۲۴ و "هم" در بند ۲۵)، در تقابل با یکدیگر ذکر می‌شوند. این امر کاملاً در راستای موضوع این بخش خطبه، یعنی دعوت به جهاد است.

در قسمتی از این بخش که جریان حمله سپاه معاویه به شهر انبار و خرابه‌کاری‌های آن‌ها بیان می‌شود، برخی از مشارکین "چون اخو غامد" و "لشکریان او"، "حسان بن حسان البکری" فرماندار شهر انبار و در ادامه "مردی از سپاه دشمن" و "زنی مسلمان" و "زنی غیرمسلمان در پناه حکومت اسلامی"، بازی‌کنندگان این رخدادها، چه به صورت مشارک اول (عمدتاً کنشگر) و چه به صورت مشارک دوم (عمدتاً هدف) می‌باشند. در مواردی نیز حضرت امیر برای بیان واقعیتی کلی از مشارکین فراگیر استفاده می‌کند تا محدودیت این اصول واقعی را از میان برداشته و آن‌ها را فراگیر کند. مثلاً "امرا مسلما" در بند ۴۲ و یا "انسانا" در بند ۲۱.

بخش سوم خطبه به وضوح تقابل دو مشارک اصلی "حضرت علی(ع)" و "مردم کوفه" را نشان می‌دهد. مردم کوفه عنصر شناخته در چند بند اول (۷۳ تا ۷۶) هستند که با عناصر شناسا چون "وهم مردانگی"، "صبر کودکانه" و "عقل زنان بی‌تجربه"، توصیف می‌شوند. در سه بند بعدی مشارک اول خود حضرت علی(ع) است که با استفاده از فرایندهای ذهنی احساس خود را در تقابل با جامعه خود بیان می‌کند و آن‌گاه پس از بیان قسم در بند ۸۰، همان سیر معنایی را در چند بند بعدی ادامه می‌دهد: آرزو می‌کند که ای کاش آن‌ها را نمی‌دید و نمی‌شناخت که این جز پشیمانی و قلبی آکنده از چرک و سینه‌ای مالا مال از خشم که نفس را می‌گیرد و رأی او را زایل می‌کند برای ایشان نداشته است.

در بند ۸۹ قریش عنصر اول (گوینده) فرایند بیانی‌ای است که گیرنده آن نیز همان جامعه می‌باشد. گفته آن‌ها در دو بند با فرایندهای رابطه‌ای به حامل (ابن‌ابی‌طالب)، شاخصه "رجل شجاع" و ملک "لاعلم بالحرب" را مربوط می‌سازد؛ ولی دوباره ناقل متن (حضرت علی(ع)) پس از یک بند دعایی پاسخ این توهم را با مطرح کردن سؤال در دو بند با فرایند وجودی (بند ۹۳ و ۹۴)، داده و پاسخ خود را با دادن دلایلی در ۳ بند بعدی مستند می‌کند. در دو بند پایانی خطبه نیز حضرت امیر به دلیل عدم وجود عنصر موجود (رای در بند ۹۸) به زیبایی خود را از مسؤولیت این وضع نامناسب میرا می‌کند.

نتیجه‌گیری

به منظور فهم بهتر خطبه ۲۷ نهج‌البلاغه که در آن حضرت علی(ع) به موضوع جهاد پرداخته‌اند، در این مطالعه سعی شد با نگاهی زبان‌شناختی تحلیلی از ساختارگذرای بندهای این خطبه از منظر فرانقش تجربی نظریه نقشگری هالیدی ارائه شود. تحلیل بندها براساس نوع فرایند و مشخص کردن مشارکین در بند و عناصر موقعیتی آن، نشان داد که بیشترین نوع فرایندها در این خطبه فرایندهای مادی بوده و سپس به ترتیب فرایندهای رابطه‌ای، ذهنی، بیانی وجودی و رفتاری استفاده شده‌اند.

به کارگیری درصد نسبتاً بالای فرایندهای رابطه‌ای و ذهنی به دلیل موضوع خطبه و تبیین ویژگی‌های جهاد از یک طرف و معرفی جامعه مخاطب از طرف دیگر، در یک فضای ذهنی منطقی می‌نماید؛ اما ذکر چند نکته نیز در این قسمت ضروری است.

اولاً این که برای تحلیل این خطبه براساس یک شیوه منظم و عملی، بهمانند هالیدی که هر بند را جداگانه مور تحلیل قرار می‌دهد (تامسون -۱۰۸:۱۹۹۶) عمل شده است. در برخی موارد ممکن است بتوان یک بند به‌عنوان عنصری از بند دیگر در نظر گرفت (مثلاً بند ۷۷) که این امر می‌تواند یک لایه تحلیلی دیگر را اضافه نماید؛ یعنی ابتدا، بندهای مرتبط را یک‌جا و سپس هر کدام جداگانه تحلیل می‌شوند. این روش تحلیل امکان دارد برخی جوانب معنایی را مشخص کند که در روش تحلیل بند به بند مدنظر قرار نمی‌گیرد.

نکته‌ی دیگری که نباید از آن غافل شویم، تفاوت ذاتی دو زبان انگلیسی و عربی است. منظور این است که نظریه نقش‌گرای نظام‌مند هلیدی بر مبنای ساختار زبان انگلیسی تبیین شده است. هر چند هالیدی تبیین بسیار جزئی و دقیقی را در این دیدگاه از زبان ارائه می‌دهد اما تطابق صددرصدی آن با هر زبان دیگر از جمله عربی خیلی منطقی به‌نظر نمی‌رسد. به‌عنوان مثال تحلیل این خطبه نشان داد که در زبان عربی فرایندهای محذوف که با قرینه معنایی از متن قابل استنباط می‌باشند، به‌مراتب بیشتر از زبان انگلیسی می‌باشد؛ به‌طوری‌که در این خطبه در اکثریت قریب به اتفاق فرایندهای رابطه‌ای، فعل محذوف است و در مجموع در بیش از سی درصد از مواقع با فرایندهای محذوف سروکار داریم.

در برخی موارد نیز تصمیم‌گیری درباره نوع فرایند مشکل می‌نمود، یعنی قراردادن فعل در یکی از شش گروه مشخص در این رویکرد به‌آسانی امکان‌پذیر نبود. دلیل این امر اولاً می‌تواند به تفاوت ذاتی در واژگان دو زبان برگردد. به‌علاوه در برخی از موارد به‌طور مثال در یک فعل مادی می‌تواند تا حدی ویژگی‌های فرایند ذهنی و یا بالعکس وجود داشته باشد. در این بررسی‌ها فعال در طبقه فرایندهایی که قرابت بیشتری به آن احساس می‌شد، قرار گرفتند مثلاً در بند ۸ "شمل" را یک فرایند ذهنی دانستیم تا مادی. با توجه به رویکرد کلی این دیدگاه که معنا را بر صورت مقدم می‌داند (تامسون ۱۹۹۶: ۱۰)؛ ما نیز جنبه معنایی فعل‌ها را برای تشخیص نوع فرایند مدنظر قرار دادیم. به‌عنوان مثال در بندهای دعایی، معنای استنباط شده آن تحلیل شد و الله: انا اقسام بالله.

در پایان متذکر می‌شویم مطالعاتی از این دست که به بررسی متونی چون نهج البلاغه که بی‌شک ژرفای معنایی عمیقی دارند از دیدگاه‌های علمی می‌پردازند، می‌توانند در آشکار کردن برخی از جنبه‌های معنایی آن‌ها مفید باشند؛ هر چند این نوع نگاه تاکنون خیلی مدنظر مفسرین و شارحین نبوده است؛ اما به‌نظر می‌رسد بتواند در برخی از جنبه‌های زبانی به کمک ایشان بیاید. امید است اساتید زبان‌شناسی در آینده بیشتر از پیش نظریات علمی این رشته را با در نظر گرفتن متون مذهبی پیاده نمود و از آن در شناخت دیدگاه‌ها و فهمیدن مفاهیم این متون استفاده عملی ببرند.

منابع

- ابوالحسنی، زهرا و میرمالک ثانی، مریم‌السادات (۱۳۸۷)، بررسی کتاب‌های درسی دانشگاهی براساس نظریه نقش‌گرای نظام‌مند هلیدی و مقایسه آن با متون همسان غیردرسی، معرفی یک پایان‌نامه، سخن سمت، شماره ۲۰.
- احمدزاده، سیدمصطفی (۱۳۸۷)، تفسیر زبان‌شناختی سوره عصر، مطالعات اسلامی علوم قرآن و حدیث، سال چهارم، شماره پیاپی ۸۱/۳.
- اوسط‌ابراهیمی، علی (۱۳۷۹)، علوم بلاغت در نهج‌البلاغه، فرهنگ، ۳۳-۳۶.
- ایشانی، طاهره و نعمتی‌قزوینی، معصومه (۱۳۹۲)، بررسی انسجام و پیوستگی متنی در سوره‌ی صف با رویکرد زبان‌شناسی نقش‌گرا، مجله انجمن ایرانی و ادبیات عربی، شماره ۲۷.
- بهنام، بیوک (۱۳۷۲)، جایگاه ادبی نهج‌البلاغه، تحلیل زبانشناختی گزیده‌هایی از کلام حضرت علی(ع)، مقالات و بررسی‌ها دانشگاه شیراز، شماره ۷۲.
- پهلوان‌نژاد، محمدرضا و زمردیان، رضا (۱۳۸۳)، تحلیل نحوی معنایی بند ساده در زبان فارسی بر پایه دستور نقش‌گرای هلیدی، مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه فردوسی مشهد، شماره ۱۴.
- حری، ابوالفضل (۱۳۸۸)، کارکرد تصریف در دو سوره قرآنی ناظر به داستان آفرینش در پرتو فراکرد متنی هلیدی، پژوهش‌های زبان‌های خارجی، شماره ۵۵.
- دلشادتهرانی، مصطفی (۱۳۹۱)، صنایع ادبی در نهج‌البلاغه، گلستان قرآن ویژه‌نامه امام علی(ع)، شماره ۱۰.
- سیدی، سیدحسین (۱۳۸۷)، رویکرد زبانشناختی به نحو عربی، مشهد: دانشگاه فردوسی مشهد.
- شهیدی، سیدجعفر (۱۳۸۱)، ترجمه نهج‌البلاغه علی‌ابن‌ابیطالب، (گردآوری شریف رضی)، تهران: شرکت انتشارات علمی فرهنگی.
- فالر، راجر (۱۳۸۱)، بررسی ادبیات به منزله زبان، راجر فالر و دیگران، زبانشناسی و نقد ادبی، ترجمه مریم خوزان و حسین پاینده، ویراست دوم، تهران: نشر نی.
- مهاجر، مهران و نبوی، محمد (۱۳۷۶)، به سوی زبان‌شناسی شعر، رهیافتی نقش‌گرا، تهران: نشر مرکز.
- مسبوق، سیدمهدی و بیات، حسین (۱۳۹۱)، روابط بینامتنی قرآن و نامه سی و یکم نهج‌البلاغه، بهار، شماره ۱۱۴.
- مشهور، پروین‌دخت و فقیری، غلام‌محمد (۱۳۹۳)، بررسی انواع زمان در دفتر چهارم، پنجم و ششم مثنوی با رویکرد سبک‌شناسی رایانشی-پیکره‌ای، فصلنامه جستارهای زبانی. [نسخه الکترونیکی قبل از چاپ]. د ۵، شماره ۱ (پیاپی ۱۷).
- Davis, K. (1992), A semiotic Approach to Relational Clauses. Occasional Papers in Systemic Linguistics 6.
- Halliday, M.A.K. (1985), An Introduction to Functional Grammar. Edward Arnold. Ltd.
- Halliday, M.A.K. (1994), Second edition, An Introduction to Functional Grammar. London. Melbourne and Auckland. Edward Arnold. Ltd.
- Halliday, M.A.K. and Hassan, R. (1976), Cohesion in English. London. Longman.

- Iddings, Joshua. G. (2007), Functional Analysis of Humanities and Biochemistry Writing with Respect to Teaching University Composition, Dissertation for the Degree of Master of Arts in English, Marshal University.
- Thompson, G. (1996), Introducing Functional Grammar. London. Arnold.
- Thompson, G. (2004), Second Edition, Introducing Functional Grammar. London. Arnold.